

فرش قرمز زیربای یک مجرم امنیتی

جشنواره‌های خارجی در ادامه تبلیغات خود برای مطرح کردن سینماگران معاند و چهره‌هایی که سینما را پنهانه‌ای برای بازی‌های سیاسی کرده‌اند، در اقدامی سیاسی، یکی از ساخته‌های کارگردانی را به نمایش می‌گذارند که در ایران به دلیل ارتکاب جرایم امنیتی زندانی است. در تازه‌ترین خبر، اعلام شد فیلم «خرس نیست»، ساخته جعفرپناهی، درمیان ۲۲ فیلم پذیرفته شده در جشنواره فیلم نیویورک قرار گرفته

دست می‌دهد و قصد داشته مرثیه‌ای بنویسد. پیامبر(ص) به خواش می‌آید و می‌گوید تو برای فرزندت مرثیه خلق می‌کنی اما برای فرزند من حسین(ع) چیزی نمی‌نویسی؛ چرا برای این مرگ جانگذاز و این شهادت سرخ و به خاک و خون کشیدن خاندان آن الفاظ زیبا و توانمند را به نظم نمی‌کشی. با نگاهی به همین روایت و برای نشان دادن عشق محتشم به خاندان پیامبر(ص)، در اپرای عروسکی عاشورا اورا از قرن دهم هجری، در تونل زمان به گذشته و به نینوا رساندیم تا در مقابل شمر سینه سپر کند.

در مسیر تاریخ

آنچه بهروز غریب پور درباره خلق اپرای ملی و اجرای اپرای عروسکی عاشورا انجام داده تلاشی است مبتنی بر سنت ۴۰۰ ساله تعزیه و مراسم سوگواری و مناسک آیینی شیعی که به گفته غریب پور در میانه زندگی مردم جا دارد.

او می‌گوید: قصدم به هیچ عنوان تفتن نبود یا افزودن یک عنوان به کارنامه‌ام. باید در این تلاش بزرگ، برای تماشاخانه دائمی اپرا مخاطب‌سازی بکنم، اجراهایم را تکرار کنم و بر اثر همین تکرارها نیروهای جدید را به این عرصه دعوت بکنم و امروز که شمار مخاطبان ما در سراسر جهان به چندین ۱۰ هزار نفر رسیده، همه را نتیجه این اندیشه می‌دانم که اپرای ملی ما مبتنی بر تعزیه است. غریب پور روایتی از گذشته‌های دور به دست می‌دهد؛ وقتی احمد مسجدجامعی، وزیر وقت فرهنگ و ارشاد و با مهدی مسعودشاهی، مدیرعامل وقت بنیاد فرهنگی رودکی برای داشتن یک تماشاخانه دائمی گفت‌وگو کرده بود. از این گفت‌وگو تا تخصیص کارگاه نمایش بنیاد رودکی به گروه تئاتر عروسکی آران به غریب پور از این قرار است: آقای مسعودشاهی می‌گفت سه ماه تالار وحدت در اختیار شما باشد یا طبقه هفتم پلاتو را آماده می‌کنیم که شما تمرین کنید اما من پافشاری کردم باید جایی باشد حتی اگر خرابه باشد. نمی‌خواهم مزاحم خانواده تئاتر بشوم، مزاحم برنامه‌های کسی نمی‌شوم. می‌خواستم گوشه‌ای در مجموعه فرهنگی سعدآباد یا گوشه‌ای در یک متروکه یا حتی یک سوله در اختیارم باشد که من تماشاخانه دائمی اپرای عروسکی را تاسیس کنم. با مسعودشاهی همه جای بنیاد رودکی را گشتیم و رسیدیم به کارگاه دکور که دیگر دکوری در آن ساخته نمی‌شد، چون دیگر اپرایی نداشتیم، دکورایر اساخته ولیاس برای اپرا دوخته نمی‌شد. وقتی این مکان در اختیار غریب پور قرار گرفت، سخت مورد غضب قرار گرفت و انتقادها از این سو و آن سو بسیار شنیده شد اما پاسخ غریب پور همین دستاوردی است که درباره اپرای عروسکی داشته‌از اپرای رستم و سهراب تا مولوی و خیام... البته فیلم مستند به نام «قلب من پر از عروسک» که از گذشته کارگاه نمایش حکایت دارد. غریب پور حالا مقضراست که یک تماشاخانه دائمی برای اپرا در تهران وجود دارد و توانسته نیروهای متخصصی در زمینه ساخت و بازی دادن عروسک تربیت کند. او می‌گوید: برای ساخت اپرای عاشورا روی لبه تیغ حرکت می‌کردم، چون اگر مضمون و محتوایی مثل عاشورا را به شیوه عروسکی درست اجرا نمی‌کردم هم باعث سرنگونی اثر می‌شد و هم سرنگونی خودم. اهل تشیع هرگز به هیچ چیزی به اندازه عاشورا غیرت نداشته است.

حالا بعد از این اپرا که به صحنه برده، به خودش اجازه می‌دهد بگوید: عزیزانی که علیه من هستید، با تمام قلم و قناعتم در این راه اگر جانفشانی نکرده باشم، جان نثاری کرده‌ام و این اصلا بر اساس سفارش یا برای خودنمایی نبوده و نیست. نمی‌خواهم جای دیگری را بگیرم. چرا هورا نمی‌کشید در کشوری هستید که بزرگ‌ترین اپرای عروسکی را دارد و من افتخار می‌کنم که بار این تهمت‌ها را به جان کشیده‌ام.

اسب‌ها و آدم‌ها

اسب‌ها در اپرای عروسکی عاشورا حیرت‌انگیزند. حضورشان روی صحنه با آن همه محدودیت‌های اجرایی عروسک‌های نخی یک دستاورد محسوب می‌شود. غریب پور در استفاده از اسب‌ها روی صحنه اصرار داشت همچنان که در اپرایی رستم و سهراب، رخش برایش اهمیت داشت. در اپرای عاشورا هم نمی‌توانست از ذوالجناح بگذرد. خودش می‌گوید: حرب یا جنگ یکی از مهم‌ترین بخش‌های تعزیه است. آرتور دو گوبینو روایت کرده که در میدان نقش جهان تعزیه‌ای دیده که قریب ۲۰۰۰ نفر در حال حرب بودند و بعد از پایان کار، خون از بینی کسی نیامده بود. چگونه می‌شود از عاشورا روایت کرد و چنین تصویری ارائه نداد. در اپرای عروسکی عاشورا اسب و تاخت و تاز و حرب می‌بینید. او خاطره‌ای از لهستانی‌ها روایت می‌کند که گروه نمایش «اپرای عروسکی عاشورا» را گروه اسب‌ها می‌نامیدند پس که در اپرا اسب کمتر حضور داشته است. غریب پور می‌گوید: اسب‌ها مان در تئاتر عروسکی جهان یگانه بود و هست.

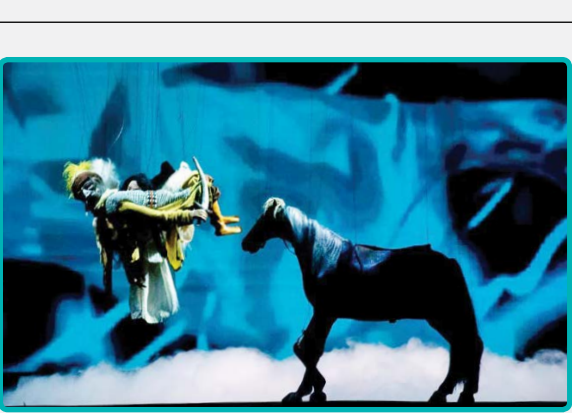
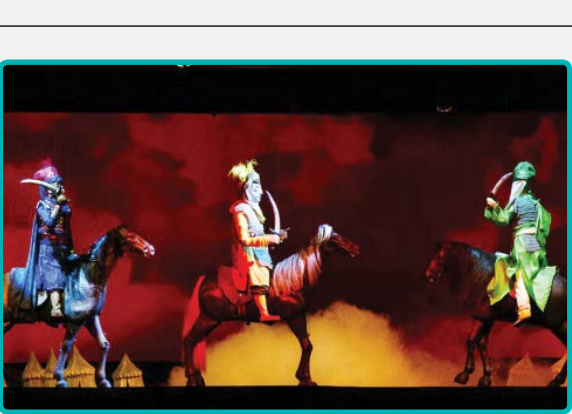
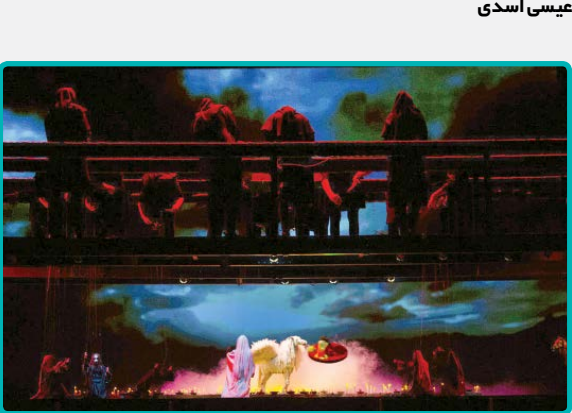
است. شصتمین جشنواره فیلم نیویورک با فیلم‌هایی ساخته کارگردان‌هایی از ۱۸ کشور قرار است از هشتم مهرماه آغاز شود و فیلم‌ها تا ۲۴ مهرماه به‌نمایش گذاشته خواهند شد. انتخاب فیلم «خرس نیست» برای نمایش در جشنواره نیویورک که با تبلیغات و سرو صدای فراوانی همراه بود، در حالی است که فرآیند ساخت و ارسال این فیلم به جشنواره‌های خارجی به دلیل محکومیت قضایی پناهی و نداشتن مجوز نمایش در

داخل، غیرقانونی است. این فیلم، درامی است که دوداستان عاشقانه موزی را در ایران و ترکیه دنبال می‌کند و جعفرپناهی، ناصر هاشمی، وحید مبصری، بختیار پنجه‌ای و مینا کاوانی در آن بازی می‌کنند. جعفرپناهی براساس اعلام سخنگوی قوه قضاییه، به دلیل حکم حبس شش ساله‌ای که به خاطر اتهامات امنیتی دریافت کرده بود، از ۲۰ تیرماه در زندان است. / جام جم



عکس و مکت

چند نما از اجرای جدید اپرای عروسکی عاشورا از قاب دوربین احسان نقابت و عیسی اسدی



انیمیشن

ما فقط خسته شدیم



محمد رضا علیمردانی، دوبلور و صدایپشه «دیرین دیرین» که در بی خدا حافظی کارگردان، اعلام کرد او هم با این مجموعه خدا حافظی می‌کند، خطاب به علاقه‌مندان دیرین دیرین گفت: بگذارید این مجموعه خاطره بماند. دیرگیس است. هشت سال شد. ما باید به فکر ایده‌های نو باشیم. وی تصریح کرد: در این سال‌ها هر کاری که لازم بود برای دیرین دیرین انجام دادیم. پایان این مجموعه به هیچ وجه ربطی به سازمان صداوسیما و هیچ چیز دیگری ندارد. ما فقط خسته شده‌ایم. حتی زمانی هم که مرحوم ابوالحسنی در قید حیات بودند با خود ایشان هم صحبت پایان بود و گفتیم دیگر بس است، چقدر باید با کاراکترهای محدود، کار بسازیم. در نهایت به این نتیجه رسیدیم دیرین دیرین در صورتی می‌تواند ادامه داشته باشد که با نسخه سینمایی یا سریالی تولید شود، چون واقعا دیگر به تکرار افتاده بودیم. اگر ساختار سریالی این مجموعه ادامه پیدا می‌کرد، شاید می‌شد باز هم کار کرد. حتی انگیزه‌اش را هم داشتیم اما بعد از ۵۲ قسمت که به سفارش فیلمیو کار کردیم، راستش دیگر سفارشی به آن صورت نداشتیم. / ایسنا

روایتی فاخر از حماسه‌ای بزرگ یادداشت

قصه‌ها همواره طوری تعریف می‌شوند که دوست دارند. هر قصه‌ای ساختار و شکل روایت درست خودش را پیدا می‌کند. یکی را باید به شعر گفت و دیگری را به آواز. یکی را باید نقل کرد و دیگری را به تصویر درآورد اما این قصه‌ها و روایت‌ها وقتی که شکل متفاوت‌تری برای بیان پیدا می‌کنند، هنری می‌شوند که ابزار و محتوا را در مسیری هنرمندانه به کار گرفته‌اند. عروسک‌ها مثلا می‌توانند روایان غریب قصه‌ها و روایت‌ها شوند. حالا اگر عروسک‌ها داستانی حماسی را روایت کنند و ابزار دیگر روایت‌شان بشود شعر و موسیقی و آواز، چه خواهند کرد! وقتی که راوی حماسه‌ای باشد که تابه‌حال فقط شبیه‌خوانی شده است، چه شکل متفاوتی از بیان هنرمندانه را که به خود نمی‌گیرند!

منظورم اپرای عروسکی عاشوراست که بهروز غریب پور سال‌ها پیش آن‌را هنرمندانه تولید کرد و چه روایت‌گری دیگری‌گونه‌ای از حماسه بزرگ عاشورا را روی صحنه برد. اپراهای غریب پور تا پیش از اپرای عاشورا راوی حماسه‌ها و تراژدی‌ها بودند. عروسک‌ها با آواز و موسیقی حماسه‌های بزرگی را روایت کردند اما این یکی از بقیه متفاوت بود. واقعه‌ای را داشت روایت می‌کرد که قابل تعریف نبود. تابه‌حال تعزیه و شبیه‌خوانی مهم‌ترین و شاید تنها ابزار بازگویی واقعه بود که در آن اجرا و اجراگرو تماشاگر در ارتباطی تنگاتنگ و آیینی – نمایشی پهلو به پهلو می‌هم واقع را می‌خواندند. ابزارش هم شبیه بود: ساز و آواز و ریتم. حالا عروسک‌ها این ساز و ریتم و آواز را در اپرایی فاخر و شکلی هنرمندانه از روایت نمایشی برعهده گرفته بودند. تماشاگر دیگر شاهد آن سادگی آیینی در روایت حماسه مذهبی نبود و به جای آن شکل فاخری از هنر موسیقی و نمایش داشت آن چیزی را روایت می‌کرد که برگرفته از واقعیتی آیینی بود.

بهروز غریب پور بعد از تجربه‌های جسورانه‌اش در ساخت و اجراهای اپراهای عروسکی دست به کار تولید این اجرا زد. اجرایی که شاید به‌دلیل محتوای متفاوت و روایت مذهبی‌اش بسیار دشوارتر از آن چندتای دیگر به نظر می‌آمد. تراژدی نبود که فاقد آگاهی در عمل قهرمان باشد و حماسی هم نبود از جنس آن آگاهی‌زمینی که در حماسه‌ها وجود دارد. به گفته خودش اپرای قدسی بود و حالا داشت در فضایی خارج از معماری معمول خودش و توسط اجراگرانی متفاوت از اجراگرانی که تا پیش از آن می‌شناختیم، اجرا می‌شد. غریب پور درباره دلایل انتخاب چنین شیوه‌ای برای اجرای اپرای عاشورا می‌گوید: «یکی از دلایل انتخاب این شیوه، مشارکت بازی‌دهندگان همچون تعزیه‌گردان‌هاست؛ ایجاد فضایی که گویی شما در یک تکیه بزرگ حضور دارید. از این پس از واژه «اپرای قدسی» استفاده می‌کنم زیرا هم آیینی است و هم اپرایی.»

اپرای عروسکی عاشورا هم آیینی است، هم اپرایی است و هم حماسی است. بنابراین با آنچه که تاکنون با نام تعزیه شکل مرسوم اجرای حماسه عاشورا بوده است تفاوت‌های زیادی دارد. مشارکت را از آن حذف کرده و به‌جایش عظمتی هنرمندانه را جایگزین کرده و به موسیقی و آواز در آن اعتباری شگرف بخشیده و همه اینها در ساختمان و معماری متفاوتی از آنچه مخاطب ایرانی با همه پیشینه‌های فرهنگی و اعتقادی و مذهبی‌اش انتظار آن را دارد، به اجرا گذاشته می‌شود و در کنار اینها ویژگی دیگرش این است که برای طیف متفاوتی از تماشاگران اجرا شده است.

اپرای عروسکی عاشورا به همین اعتبار ارزش هنرمندانه پیدا می‌کند و قابلیت اجرای جهانی می‌یابد. شاید بهترین شکل از ساخت و تولید یک اثر با ویژگی‌های هنری است که می‌تواند روایت معتبری از فرهنگ و آیین و مذهب را با خود به همراه داشته باشد. ویژگی مهم دیگرش هم این‌که چیزی به اعتبار روایت‌های هنرمندانه از قصه عاشورا افزوده است، بی‌آن‌که کوچک‌ترین خدشه‌ای به محتوای رویداد و ارزشمندی‌اش وارد کرده باشد.

قایق‌های رنگارنگ

جشنواره‌ای سالانه در روسیه برگزار می‌شود که به قایق‌های چوبی پارویی اختصاص دارد. مردم علاقه‌مند به این رویداد قایق‌های پارویی خود را در رودخانه مویکا به آب می‌سپارند. این تصویر از عکس‌های هفتگی منتخبی است که گاردین آن را منتشر کرده است. عکاس: دیمیتری لوتسکی

جام جم

فرهنگ

CULTURE

پنجشنبه ۲۰ مرداد ۱۴۰۱ ۶۲۸۰ شماره

سینمای جهان

«مرد کره ماه» در مدار گیشه چین



کیکاسوس نایزی

گروه فرهنگ و هنر

چین طی دو هفته اخیر با حیرت و تعجب به استقبال موفقیت کلان جدول گیشه نمایش سینماهای کشور رفته‌اند. درام علمی –تخیلی بومی «مرد کره ماه» که هفته قبل با افتتاحیه‌عالی ۱۳۰ میلیون دلاری خود، همگان را شگفت‌زده کرد، در تعطیلات آخر هفته هم توانست با فروش دور از انتظار ۹۲ میلیون دلاری‌اش دوباره صدرنشین این جدول شود. با اشاره به داستان فضایی فیلم، اهل فن از گردش جدید وضعیت فروش فیلم‌های سینمایی در مدار جدول گیشه نمایش صحبت می‌کنند! سازندگان این درام علمی –تخیلی هم می‌گویند موفقیت کلان آن، از جواز به نوع استقبال مردم از محصولات داخلی خبر می‌دهد. این درام اکشن علمی –تخیلی در ۱۰ روز نخست نمایش (با احتساب فروش پیش‌نمایش آن)، به فروش عالی ۳۰۰ میلیون دلاری دست پیدا کرد.

مرد کره ماه، داستان آخرین بازمانده نوع بشر در سطح جهان را تعریف می‌کند که برای انجام مأموریتی فضایی عازم کره ماه می‌شود. اوزمانی که یک‌توفان خانمان برانداز کره زمین را کاملا از بین برده و ساکنانش را کشته، مشغول انجام آزمایش‌های فضایی در ماه بوده است. در شرایطی که این فضاورد از اوضاع خراب زمین مطلع شده، تلاش‌های او برای بازگشت به زمین و پیدا کردن آدم‌های بازمانده از آن توفان مرگبار به نمایش درمی‌آید. تنها راه ارتباطی او یکی از همکارانش در یکی از پایگاه‌های زیرزمینی است.



تغییر زائر کارگردان

منتقدان که مرد کره ماه را مثل عموم تماشاگران چینی تحسین کرده‌اند، به کارگردانی قوی و فیلمنامه جذاب آن اشاره می‌کنند و توانایی زانگ چیون، کارگردان فیلم در خلق درامی قوی و انسانی که فقط یک بازیگر اصلی دارد را ستوده‌اند. به‌گفته آنان خلق فیلمی دو ساعته که تنها یک شخصیت محوری دارد و داستانش در لوکیشن‌های اندکی اتفاق می‌افتد، بسیار دشوار است و زانگ نتوانسته به‌خوبی از عهده انجام آن برآید. این در حالی است که به نوشته رسانه‌ها تخصص اصلی زانگ ساخت فیلم‌هایی با مضمون کمدی است و تا قبل از این اثری در ژانر سینمای فاجعه و علمی –تخیلی کارگردانی نکرده است. فیلم قبلی او «هیچ وقت نگویمیرا یکی از کمدی‌های بسیار پر فروش سال ۲۰۱۷ سینمای چین بود.

رسانه‌های گروهی چینی در عین حال به این نکته جالب هم اشاره می‌کنند که مرد کره ماه توسط شرکت فیلمسازی ماه‌افرا ایچ تهیه شده که متخصص ساخت محصولات کمدی موفق چینی است و تاکنون تجربه‌ای در تولید فیلم‌های علمی –تخیلی نداشته است. در حالی که تحلیلگران اقتصادی سینما در این کشور دور آسیا پیش‌بینی فروش کلی ۵۰۰ تا ۶۰۰ میلیون دلاری برای مرد کره ماه می‌کنند، زمزمه‌هایی مبنی بر ساخت قسمت‌های بعدی آن شنیده می‌شود. / باکس آفیس آسیا